

۷

عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

آناهیتا معتضدان^۱

حیدر پیری^۲

شهرام فتاحی^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

^۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد motazedanahita@gmail.com

^۲. ن دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه pyryhydr2@gmail.com

^۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه fattahi1352@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر سعی دارد با اتکا به نظریه "موازنه منافع" راندل شولدر در چارچوب نظری واقع-گرایی نئوکلاسیک به این پرسش پاسخ دهد که روند نوین صلح اعراب و رژیم صهیونیستی چه پیامدهایی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در رأس تهدیدها در ادراکات امنیتی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، به هم افزایی آن‌ها در چالش‌زایی برای امنیت ملی ایران در ابعاد سیاسی، نظامی-امنیتی و اقتصادی منجر خواهد شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی سعی دارد تا با انعقاد پیمان‌های عبری-عربی با کشورهای خلیج فارس، هم خود را از انزوای دیپلماتیک منطقه ای خارج کند و هم این که امنیت ملی ایران را به مخاطره بیندازد. هم‌چنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در شکل-گیری این ائتلاف نقش داشته‌اند که یکدیگر را تقویت و پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، افزایش قدرت رژیم صهیونیستی در غرب آسیا، پیامدهای متعددی علیه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهد و بازی رقابتی در منطقه را به نفع رژیم صهیونیستی رقم خواهد زد.

• واژگان کلیدی

واقع‌گرایی نئوکلاسیک، غرب آسیا، صلح نوین اعراب و رژیم صهیونیستی، امنیت ملی ایران.

مقدمه

بررسی روابط شورای همکاری خلیج فارس با رژیم صهیونیستی از نظر تاریخی حاکی از آن است که مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر این روابط موضوع صلح فلسطین و رژیم صهیونیستی بوده و عدم شکل‌گیری توافق بین فلسطین و رژیم صهیونیستی، نقش مهمی در عدم عادی‌سازی روابط این بازیگران داشته است، روابط شورای همکاری خلیج فارس با این رژیم در گذر زمان تغییرات مهمی یافته است، به لحاظ توانمندی‌های علمی، فن‌آورانه و هسته‌ای و نیز پیشینه غنی فرهنگی و تمدنی، اعراب خود را رقیب ایران پنداشته و تهران را خطری برای خود می‌دانند. اعراب مسائل ایدئولوژیکی و اصول‌گرایی ایران را تهدیدی برای امنیت سیاسی خود تلقی می‌کنند. در سال ۲۰۰۳ م، با پایان حکومت صدام حسین در پی حملات آمریکا و تقویت شیعیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران؛ پیروزی‌های گروه‌های فلسطینی و هم‌چنین حزب الله لبنان در جنگ با اسرائیل؛ انقلاب‌های عربی منطقه موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۰ م؛ امضای توافق برجام؛ سیاست نگاه چرخش به شرق از سوی آمریکا که دولت اوباما آغاز کننده آن بود و وقایع دیگر؛ نفوذ منطقه‌ای ایران را به ضرر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس افزایش داد. در پی این افزایش قدرت، رهبران کشورهای عربی منطقه احساس خطر کردند و این ترس و واکنش از قدرت رو به رشد ایران و متحدانش در منطقه و هم‌چنین ظهور نخبگان سیاسی جدید در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، باعث شد مسئله فلسطین به اولویت‌های پایین‌تر این کشورها تبدیل شود. و این ترس و واکنش منجر شد که رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عرب منطقه با وجود نداشتن اشتراکات دینی، عقیدتی به اتحاد و ائتلاف روی آورند.

با این توضیحات، در این مقاله با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای نظریه "موازنه منافع" راندل شولر در چارچوب نظری واقع‌گرایی نئوکلاسیک به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی چه پیامدهایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ و با تجزیه و تحلیل مراتب این تعاملات در منطقه را یک بازی برد و باخت تلقی می‌کند. در مجموع، از حیث نوآوری در پژوهش، پویایی تحولات در مناسبات قدرت میان بازیگران بین‌المللی فرا منطقه‌ای و هم‌چنین تداوم پویایی‌های منطقه‌ای متأثر از این تحولات و اهمیت کنش‌گری و منافع بازیگران عمده منطقه که محور اصلی

پژوهش حاضر می‌باشند، قابلیت تفحص علمی موضوع حاضر را از جهات مختلف، علی‌رغم وجود پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی معتبر دیگر همچنان باز نگه می‌دارد.

۱- پیشینه پژوهش

- سیگوردنوباور^۱ (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان «خلیج فارس و رژیم صهیونیستی: مبارزات قدیمی، اتحادهای جدید» معتقد است یکی از مهم‌ترین رویکردهای ترامپ برای انزوای ایران، طرح ائتلاف اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی بوده است. در این طرح عربستان و رژیم صهیونیستی به‌عنوان ستون‌های مشترک معماری امنیتی آمریکا برای تحقق خاورمیانه بزرگ عمل می‌کنند. در ادامه این طرح، برنامه موسوم به «فشار حداکثری» برای نابودی اقتصاد ایران طرح‌ریزی شده است.

- جاناتان فولتن^۲ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای معامله صلح رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی کدامند» به این موضوع می‌پردازد که رژیم صهیونیستی آشکارا مواضع ژئوپلیتیک را از مرزهای سرزمین‌های اشغالی دور کرده است. در ادامه با نفوذ هر چه بیشتر به خلیج فارس از سه فرصت استثنایی دستیابی به آب‌های آزاد جهانی، ثروت بی‌شمار اعراب اعم از نفت و گاز و در نهایت پایگاه‌های نظامی آنان علیه ایران استفاده خواهند کرد. در واقع خطر مشترک ایران و شیعیان بسترساز اصلی ائتلاف عبری-عربی است.

- جاناتان مارکوس^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «اسرائیل و عربستان؛ انگیزه‌های یک اتحاد پنهان» معتقد است که عربستان و رژیم صهیونیستی، متحدانی نانوشته علیه نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی در منطقه هستند و از این رابطه رو به‌رشد، هر از گاهی نشانه‌هایی به بیرون درز می‌کند. از دید وی، این نشانه‌ها تصادفی نیست. آن‌ها به دقت هماهنگ شده‌اند، با این هدف که به ایران در مورد رابطه‌ی در حال گسترش هشدار داده شود و در عین حال جامعه عربستان را برای پذیرش عیان شدن احتمالی این رابطه آماده کند.

۲- چارچوب نظری و مفهومی

در عرصه تحلیل سیاست خارجی انتخاب روش از اولویت به‌سزایی برخوردار است. چرا که با اتکا به روش است که می‌توان به تحلیل رفتارهای خارجی دولت‌ها پرداخت. بی‌شک نظریه واقع‌گرایی

^۱. Sigurd Novavar

^۲. Janathan Fulton

^۳. Janathan Marcous

ساختارگرایی کنت والتز، مهم‌ترین رویکردی است که روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است اما مرور زمان سبب گردید که سایر مفسران روابط بین‌الملل با نظریه سیستمی کنت والتز که توجه کافی به متغیرهای سطح واحد نداشته مخالفت کنند و در پی کشف کردن جعبه سیاه حکومت‌ها برآیند (Schweller, 2004: 25). بر این اساس، نظریه‌پردازان مختلف با قبول کلیات مدنظر ساختارگراها، بر اهمیت ترکیب هم‌زمان مفروضات سیستمی و سطح داخلی تأکید کرده‌اند که در عمل زمینه‌ساز شکل‌گیری واقع‌گرایی نئوکلاسیک شد.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک نظریه‌ای برای تبیین رفتار خارجی دولت‌ها است. این نظریه بر مواردی چون دکتربین نظامی، ترجیحات اتحاد، سیاست اقتصادی خارجی و تعقیب دیپلماسی آشتی‌جویانه یا تخصیص تمرکز می‌کند (Taliaferro, 2006: 25) تبیین سیاست خارجی کشورها در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک باید به این نکته توجه کرد که الزامات و محدودیت‌های سیستمی به‌صورت مستقیم بر سیاست خارجی تأثیرگذار نیست، بلکه متغیرهای میانجی در این بین نقش اساسی ایفا می‌کنند. آن‌ها در عین حال که مانند نواقع گراها، آنا‌رشی را مهم می‌دانند، بر بینش‌های واقع‌گرایی کلاسیک نیز تأکید دارند و به همین دلیل نئوکلاسیک نامیده می‌شوند (Rose, 1998: 145). راندل شولر در تعدیل واقع‌گرایی، علاوه بر توجه ویژه به ساختار داخلی واحدها، به نظریه‌ی صلح دموکراتیک نیز نزدیک می‌شود. چشم‌گیرترین مسامحت شولر، طرح مجدد منافع و ابداع مفهوم «موازنه منافع» به جای موازنه‌ی قدرت یا تهدید است. هنگامی که نظریه‌ی موازنه منافع شولر را با دیدگاه‌های سه واقع‌گرایی مهم دیگر معاصر یعنی والتز، والت و مرشایمر مقایسه می‌کنیم، در می‌یابیم که نظریه‌ی موازنه منافع او دامنه تبیینی وسیع‌تری را می‌تواند شامل شود و این بیش از هر چیز مرهون وارد ساختن متغیرهای سطح واحد و به‌طور خاص منافع است. به نظر شولر ماهیت دولت‌ها براساس منافع آن‌هاست که اگر با وضع موجود تأمین شود، آن‌ها را امنیت جو و طرفدار وضع موجود می‌کند و اگر نشود، آن‌ها را ناراضی خواهد کرد (مشیرزاده: ۱۳۹۸: ۱۵۱).

بنابراین، با توجه به مباحث پیش‌گفته و فرضیه این پژوهش و هم‌چنین قابلیت تلفیق عوامل سیستماتیک و گذاره‌های داخلی به‌عنوان عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری در سیاست خارجی به این نتیجه می‌رسیم که این نظریه قابلیت بهتری برای چگونگی و فهم پیامدهای عادی‌سازی اعراب و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. از این رو رهیافت مزبور به عنوان چارچوب نظری این مقاله برگزیده شد.

۳- دلایل شکل‌گیری عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی

رفتار کشورهای همکاری خلیج فارس را می‌توان با رویکرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک مورد بررسی قرار داد، از نگاه این رویکرد کشورها در دنیای امروز به این نتیجه می‌رسند که نباید تنها به توان انفرادی متکی باشند، بلکه برای داشتن امنیت واقعی مجبورند علاوه‌بر توانمندسازی نظامی و امنیتی خویش دست به ایجاد ائتلاف‌های امنیتی با دیگر کشورها بزنند و امنیت خویش را با استفاده از این راه تأمین نمایند (جمالزاده و آقایی، ۱۳۹۴: ۷).

۱-۳- دلایل ائتلاف عبری-عربی (امارات متحده عربی)^۱

امارات متحده عربی که از نظر اقتصادی به سطح بسیار خوبی در جهان دست یافته، در سال‌های اخیر اهداف بلندپروازانه‌ای دنبال کرده است و به نظر می‌رسد اکنون خود را در وضعیتی می‌بیند که بدون حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکا در برابر ایران شانس برای موفقیت در این جبهه‌ها ندارد (Kayhan. ir, 1399: 2). مهم‌ترین اختلاف دو کشور ایران و امارات علاوه بر جزایر سه‌گانه احداث جزایر مصنوعی است. پس از بی‌نتیجه ماندن ادعای امارات درباره جزایر سه‌گانه، این کشور اعلام کرد تا ده سال آینده ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس خواهد ساخت اما ایران به این دلیل که ساخت جزایر مصنوعی از سوی امارات باعث پرتنگ شدن حضور بازیگران فرا منطقه‌ای در خلیج فارس و در نتیجه به خطر افتادن امنیت کشورش می‌شود با این تصمیم مخالفت کرد (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). صلح با اسرائیل دسترسی به دستگاه حاکمیت آمریکا را چند برابر می‌کند. این ائتلاف برای تأمین امنیت ملی، تداوم رشد اقتصادی و از همه کلیدی‌تر، ورود در شبکه‌سازی خواهد بود.

به زعم شیوخ امارات، ایجاد ائتلاف با رژیم صهیونیستی می‌تواند راه فروش تسلیحات نظامی را که پیش‌تر فروش آن به امارات ممنوع شده بود، هموار سازد. در این باره، دیوید ماکوفسکی مدیر پروژه روابط اعراب و رژیم صهیونیستی در موسسه واشنگتن معتقد است: «این توافق برای امارات پیروزی بزرگی به شمار می‌رود، چرا که این کشور بی‌شک می‌تواند به فروش‌های تسلیحاتی اسرائیلی و آمریکایی دسترسی داشته باشد». در همین راستا، این رژیم با فروش چندین هزار خودرو زرهی مقاوم در برابر مین به امارات موافقت کرده است (عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). هم-

^۱. United Arab Emirates

چنین در نتیجه این، پیمان زمینه خریداری هواپیماهای بدون سرنشین ریپر^۱ و هواپیماهای بوئینگ ئی‌ای-۱۸ جی گراولر^۲ برای امارات مهیا شد.

۲-۳- دلایل ائتلاف عبری-عربی (بحرین)^۳

بحرین تنها عضو شورای همکاری خلیج فارس است که تا کنون از برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران خودداری کرده است (هشتجین، ۱۴۰۱: ۹۶) زیرا بحرین ایران را تهدیدی وجودی برای رژیم خود می‌داند. از آن‌جا که بیش از ۶۰ درصد از مردم بحرین شیعه هستند؛ دولت حاکم به نوعی این شهروندان را ستون پنجم ایران می‌داند. هنگامی که اعتراضات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ م آغاز شد، این فعالان شیعه بودند که خیابان‌های اصلی منامه را اشغال کردند. برای منامه وجود چنین تهدیدی، این نیاز را در دستگاه اجرایی کشور زنده کرده که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به سود منافع امنیت ملی این کشور خواهد بود (حمزه، ۱۳۹۹: ۱۲).

در این باره، وزیر کشور بحرین گفته است که "عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به معنای پشت کردن به مسئله فلسطین نیست بلکه اقدامی در جهت تقویت امنیت بحرین است" (Gilpin, 2020: 252). صلح با رژیم صهیونیستی امکان تأمین امنیت آسمان بحرین با مبادرت خرید سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته از آمریکا و رژیم اسرائیل فراهم می‌کند، هم‌چنین بحرینی‌ها با این صلح، در تلاش هستند تا امنیت خود را به امنیت خلیج فارس گره بزنند (حمزه، ۱۳۹۹: ۱۵). با نگاهی به اقتصاد بحرین ارقام رسمی نشان می‌دهد که کسری تجاری ۱/۴ درصد در مقیاس سالانه کاهش یافته است. کسری تراز تجاری برای بحرین در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۱۹ م به میزان ۴۹۲ میلیون دینار ثبت شده است. به‌علاوه این کشور از نظر منابع نفتی روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام استخراج می‌کند. در واقع، بحرین تلاش دارد تا با استفاده از شرکت‌های پیشرفته اسرائیلی؛ تسلیحات؛ انرژی‌های تجدیدپذیر؛ جذب گردشگر و سرمایه‌گذاری، اقتصاد آشفته خود را بهبود بخشد (هشتجین، ۱۴۰۱: ۹۷). بحرین در سال‌های اخیر اکتشافات بزرگی در زمینه انرژی داشته است. از نظر حکومت بحرین، تجهیزات فن‌آوری پیشرفته اسرائیل در برداشت و تولید انرژی می‌تواند وضعیت نابسامان اقتصادی بحرین را بهبود بخشد (حمزه، ۱۳۹۹: ۱۲).

1. Reaper

2. 18GGrowler

3. Bahrain

۳-۳ - دلایل ائتلاف عبری-عربی (بحرین، امارات)

رژیم صهیونیستی از زمان شکل‌گیری تاکنون، با چالش‌های امنیتی گوناگون مواجه بوده است. مهم‌ترین چالش بعد از جنگ‌های متوالی با کشورهای عربی، چالش محور مقاومت تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران است (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). ایران در چهار دهه گذشته نابودی رژیم صهیونیستی را از اهداف و شعارهای اصلی خود اعلام کرده است. (جعفری نیا، ۱۳۹۸: ۴).

صلح جدید عبری-عربی، مزایای استراتژیک مهمی را برای رژیم صهیونیستی در مقابله نظامی احتمالی با ایران فراهم می‌کند، در حالی که تا پیش از این، دوری جغرافیایی و کمبود تسهیلات لجستیک مشکل اصلی رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران بود. مشارکت استراتژیک چند کشور عربی با رژیم صهیونیستی آغازی برای تحولات استراتژیک فراگیرتر است که به‌دنبال ورود دیگر دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس به این همکاری، به وقوع می‌پیوندد (ضرغامی، ۱۳۹۹: ۷۱).

رژیم صهیونیستی همواره سعی می‌کند که کشورهای اسلامی را در مقابل یکدیگر قرار دهد. به همین منظور با استفاده از بحران‌های داخلی میان کشورهای اسلامی، می‌خواهد این روند را تسریع کند؛ به‌عنوان مثال؛ بعد از بحران سوریه و شکل‌گیری بحران قطر، شکاف جدیدی میان کشورهای اسلامی به‌وجود آمد که صف‌آرایی کشورها میان یکدیگر این فرصت را برای این رژیم فراهم نمود که با توسعه روابط با آنان، ضمن تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی، عرصه درگیری را به جوامع اسلامی منتقل کند (نجات، ۱۳۹۷: ۳). با آغاز بهار عربی بسیاری از تحلیل‌گران، اسرائیل را پیروز بهار عربی می‌دانستند؛ چرا که کنار گذاشتن اخوان المسلمین در مصر به‌عنوان هم پیمان حماس، بحران در سوریه، خشم کشورهای عربی را برانگیخت و اعراب را مجاب کرد که به ائتلاف با رژیم صهیونیستی بپیوندند (شهریاری، ۱۳۹۵: ۶۳). موضوعی که امنیت رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند، امنیت انرژی است (موسوی، ۱۳۹۱: ۳). رژیم صهیونیستی در حال حاضر برای تأمین نفت دو پالایشگاه خود ناگزیر به واردات نفت از روسیه، آذربایجان، آمریکا و آفریقا است. سران این رژیم تلاش می‌کنند با عادی‌سازی روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس انرژی مورد نیاز خود را از این منطقه تأمین کنند. بنابراین به موجب این توافق، امارات به نخستین دولت عربی تبدیل شد که به‌صورت رسمی به رژیم صهیونیستی نفت صادر کرد (Joshua, 2021: 13).

هدف مهم رژیم صهیونیستی برای روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس تحقق هر چه سریعتر خط لوله ایلات- اشکلون است که پیش از انقلاب اسلامی میان شاه پهلوی و این رژیم منعقد شد.

نفتکش "VLCC" که تنها در یک نوبت می تواند دو میلیون بشکه نفت را جابه جا کند، یکی از این نفت کش های قول پیکر است که در کانال سوئز جا نمی شود، اما با تحقق خط لوله ایلات-اشکلون به راحتی می تواند این رژیم را به کانونی مهم برای حمل و نقل انرژی در منطقه مبدل کند (عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). به نظر می رسد هدف نهایی رژیم صهیونیستی از دیپلماسی اقتصادی، ایجاد یک نظام اقتصادی منطقه ای است (کریمی پور، ۱۴۰۰: ۵۵۶). رژیم صهیونیستی می کوشد با تشکیل سازمان اقتصادی سایر کشورهای حوزه خلیج فارس را در فرآیند صلح نوین قرار دهد.

۴- پیامدهای عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی ایران

امنیت ملی مقوله ای به هم پیوسته و منسجم است. تهدید، تضعیف و یا تقویت آن در هر بعدی در سایر ابعاد بازتاب می یابد که در مجموع کلیت امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این که ائتلاف دول عرب و رژیم صهیونیستی پیامدهای امنیتی گسترده ای بر ضد ایران دارد، تردیدی وجود ندارد (دستجردی و متقی، ۱۳۹۰: ۷۲). از این رو، عمده ترین پیامدها را می توان در سه بخش سیاسی، اقتصادی و نظامی دسته بندی کرد.

۴-۱- پیامدهای سیاسی ائتلاف

ب: تلاش برای انزوای بین المللی ایران

رژیم صهیونیستی سعی دارد با عادی سازی روابط کشورهای عرب رقیب ایران، سیستم توازن قوای جدید را به نفع خود و به ضرر ایران شکل دهد. در این راستا، این رژیم به تبعیت از سیاست گذاری کلان آمریکا یعنی "سیاست دست های کوتاه" در مورد ایران می کوشد تا نفوذ جمهوری اسلامی را به حداقل برساند. با توجه به سیاست های اتکای به قدرت هژمون از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس این احتمال وجود دارد که با حضور هر چه بیشتر رژیم صهیونیستی در خلیج فارس زمینه مساعدتری برای نفوذ این رژیم در منطقه و در نتیجه کاهش امنیت و منافع ملی ایران فراهم آید. توسعه مناسبات رژیم صهیونیستی با اعراب می تواند سبب شکل گیری بلوک جدیدی در منطقه متشکل از عربستان، رژیم اسرائیل، مصر، امارات، بحرین و اردن شود. شکل گیری چنین بلوکی می تواند چالش های سیاسی را برای ایران ایجاد کند. به نظر می رسد دیگر کشورها مثل عمان، کویت، قطر، عربستان با فاصله زمانی مشخصی به عادی سازی

روابط با این رژیم مبادرت خواهند کرد و سپس حرکت آن‌ها در کشورهای مغرب و سودان پی- گرفته خواهد شد، به طوری که عادی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی خود به صورت امری عادی درآید (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

عادی سازی روابط، تحولات جدیدی را از در منطقه ایجاد می‌کند. نزدیک شدن به مرزهای امنیتی ایران و احتمال حمله نظامی به متحدان ایران به خصوص حزب الله لبنان و شکل‌گیری دومینوی عادی سازی روابط، دو پیامد منفی عادی سازی روابط اعراب با رژیم اسرائیل است (حمزه، ۱۳۹۹: ۶). استراتژی ائتلاف رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس «همه چیز در منطقه بدون حضور ایران» است و بر این اساس تلاش دارند تا با طرح مسائلی نظیر حمایت ایران از بنیادگرایی اسلامی و تحرکات تروریستی، ذهنیت امنیتی را برای نخبگان سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس به وجود آورند. (رأفت، 2020: 2). "فرید زکریا" تحلیل‌گر سیاسی آمریکایی در مقاله‌ای در "واشنگتن پست" می‌نویسد: همه چیز به طرز حیرت‌آوری به نفع رژیم اسرائیل دگرگون شد. نخست: تهدید عربی علیه این رژیم از میان رفته است، تل‌آویو از نخستین روز موجودیت خود با خطر نابودی توسط ارتش‌های عربی مواجه بوده است. امروزه با بحرانی که در خاورمیانه ایجاد شده، این خطر از میان رفته است. زکریا اضافه می‌کند این تحولات باعث شده کشورهای عربی به جای این که مقابل این رژیم بایستند، علیه دشمن اصلی این رژیم یعنی ایران قرار می‌گیرند (زکریا، ۱۳۹۴: ۱).

ج: نا امنی و بحران‌زایی در ایران

رژیم صهیونیستی با همراهی دول عربی، سعی دارد تا با قدرت ایدئولوژی فرقه‌محور را پیش برده و با دو قطبی کردن جهان اسلام، ایران را در انزوا قرار دهند. حتی حمایت از گروه‌های تکفیری در منطقه نیز بخشی در راستای تحقق این هدف انجام پذیرفته است (اختیاری امیری، ۱۳۹۹: ۱۱). اختلافات فرقه‌ای همواره یکی از مؤلفه‌های شکل دهنده ژئوپلیتیک خاورمیانه بوده که منشأ آن را می‌توان عمدتاً در سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جستجو کرد. در همین ارتباط، طی سال‌های گذشته ائتلاف عبری-عربی تلاش کرده است تا تعارضات فرقه‌ای که عمدتاً از سوی دول عربی به عنوان ابزاری جهت مقابله با ایران شیعی مورد استفاده قرار گرفته، تشدید کند (دهقانیان، ۱۴۰۰: ۱۹۲). واقعیت آن است که علی‌رغم وجود شرکای منطقه‌ای ایران و تلاش این کشور جهت حفظ عمق استراتژیک و نفوذ در منطقه، سیاست‌های هم‌سوی دول عربی و رژیم صهیونیستی مشکلاتی را برای ایران ایجاد کرده و شرایط حمایت این کشور از

متحدان منطقه‌ای نظیر حزب الله لبنان و انصارالله یمن را دشوار ساخته است. در همین رابطه، اقداماتی نظیر حمله به نیروهای سپاه قدس در سوریه، از بین بردن خطوط پشتیبانی حزب الله و همچنین معرفی کردن این جنبش به‌عنوان یک سازمان تروریستی از سوی قدرت‌های بین‌المللی نظیر آمریکا و بریتانیا و حتی اقدامات تنبیهی علیه برنامه‌های موشکی تا حدود زیادی حاصل سیاست‌ها و لابی‌گری‌های عبری-عربی است (Noa Landau, 2020: 15).

ایجاد اتحاد میان کشورهای عربی و رژیم اسرائیل، تقویت گروه‌های معارض ایرانی در مرزهای ایران را به‌دنبال خواهد داشت. یکی از راه‌کارها استفاده کشورهای منطقه به رهبری عربستان و رژیم صهیونیستی از گروه‌های معارض و جدایی‌طلب در مرزهای شرق، غرب و جنوب غرب ایران است. رژیم صهیونیستی و متحدان عرب منطقه در حال پیگیری این سیاست هستند که با متحد کردن آنان و طرح اهداف به ظاهر مشترک از قبیل خود مختاری برای اقوام و فدرالیسم برای ایران، استفاده گروهک‌های تجزیه طلب و تروریستی نظیر جیش العدل، حزب دموکرات کردستان، نهضت عدالت بلوچستان ایران و... تلاش برای ایجاد تنش قومی در کشور با مطرح کردن اتحاد سایر اقوام در مقابل فارس‌ها، ایجاد اتحاد داخلی در بین این گروهک‌ها برای تقویت چالش‌گری آن‌ها علیه ایران از قبیل انحلال گروهک جیش النصر و ادغام آن در گروهک تروریستی جیش العدل و تلاش گروهک‌های تجزیه طلب در غرب کشور برای اتحاد داخلی مجدد، بخشی از توان سیاسی-امنیتی ایران را معطوف به خود کنند (Noa Landau, 2020: 22).

۲-۴- پیامدهای نظامی - امنیتی ائتلاف

الف: تقویت نفوذ نظامی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس

به‌طور سنتی تهدیدهای نظامی در کانون نگرش کشورها قرار دارد. اهمیت تهدیدهای نظامی در آن است که این تهدیدها می‌تواند امنیت و بقای کشورها را به‌طور اساسی به خطر اندازد، تهدیدهای نظامی این رژیم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود. از لحاظ تسلیحات متعارف و تسلیحات هسته‌ای، رژیم صهیونیستی برترین قدرت نظامی در خاورمیانه و یکی از کشورهای پیشرفته دنیاست که به پشتیبانی گسترده آمریکا متکی است. براساس استراتژی سنتی امنیت ملی رژیم صهیونیستی، صلح در منطقه خاورمیانه تنها از طریق قدرت قابل حصول است و این رژیم تا زمانی می‌تواند به صلح امیدوار باشد که همسایگان این کشور از برتری نظامی آن مطمئن باشند (مجتهد زاده، ۱۳۷۸: ۲۷).

حضور نظامی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس با توجه به تعارضات استراتژیک می تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه بینجامد که ضمن واگرایی امنیتی میان کشورهای منطقه با ایران، محیط امنیتی پیرامون ایران را ناامن و باعث کاهش امنیت ملی آن می‌گردد (هال، ۱۳۹۹: ۶). همکاری دفاعی رژیم اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس منجر به تغییر قابل توجه در توازن منطقه‌ای قدرت می‌شود. حضور رژیم اسرائیل در کنار آب‌های خلیج فارس، تهدیدی امنیتی برای ایران ایجاد می‌کند (عربگری، ۱۴۰۰: ۱۷). یکی از فواید مهم روابط رژیم صهیونیستی با امارات، استقرار پایگاه‌های نظامی این رژیم در امارات است. این مسئله مهم در بعد رصد اطلاعاتی و نظامی و هم در بعد استقرار پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی بسیار حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، پایگاه‌های هوایی الظفره در ابوظبی که در اختیار نیروی هوایی آمریکا قرار دارد می‌تواند کانون مهمی برای این رژیم تلقی شود، این در حالی است که فاصله سه پایگاه مهم امارات از مرزهای ایران کمتر از ۳۵۰ کیلومتر است که می‌تواند فرصت ژئوپلیتیکی بسیار مهمی برای برای تل‌آویو به همراه داشته باشد (عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

ب: تجهیز نظامی کشورهای خلیج فارس

بر خلاف آسیای مرکزی و قفقاز که فن‌آوری‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی موجب اشتیاق کشورهای این منطقه برای گسترش روابط با رژیم اسرائیل شده است. برای کشورهای حوزه خلیج فارس فن‌آوری نظامی در اولویت قرار دارد. در سال ۲۰۱۱ م شرکت‌های صهیونیستی ۳۰۰ میلیون دلار فن‌آوری نظامی به امارات متحده عربی فروختند (Thompson, 2018: 31).

برخی معتقدند که مقدمه اولین مرحله صلح ابراهیم در واقع چیزی نبود جزء فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ هدف از فروش این حجم از تسلیحات فوق پیشرفته و تجمیع آن‌ها در یکی از ناپایدارترین مناطق دنیا چیست؟ چه منطقی پشت این کار قرار دارد؟ واقعا چه کسی تردید دارد که هدف گردآوری این حجم از اسلحه که در پیمان ابراهیم به آن اشاره دارد، ایران و هم پیمانانش در محور مقاومت نیست؟ (هال، ۱۳۹۹: ۶). بعد از امضای پیمان ابراهیم، دونالد ترامپ از این توافق‌نامه به عنوان پیشگام صلح در خاورمیانه ناآرام استقبال کرد. ترامپ بعد از توافق سعی کرد با فروش سلاح ۲۳ میلیارد دلاری به امارات این توافق را شیرین کند (Arfa, 2021: 5). رژیم صهیونیستی سیاست‌های خود را در صادرات سلاح به کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین اقدامات خود را در جهت محدود کردن فروش سلاح

های پیشرفته توسط آمریکا به کشورهای خلیج فارس منعطف تر کرده است که این امر به عنوان ظرفیتی نوین برای مشارکت، نسبت به تهدید احتمالی دیده می شود (آدمی، ۱۳۹۸: ۱۹۵).

همکاری نظامی رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس منجر به تغییر قابل توجه توازن منطقه ای قدرت می شود. نفوذ هوایی این رژیم از طریق فن آوری های مخفی به شدت آزادی عمل ایران در منطقه را کاهش می دهد (Tova Norlen, 2021: 6). پس از انتخاب جو بایدن به عنوان رییس جمهور، سخن گوی وزارت امور خارجه آمریکا فروش صلاح را تأیید می کند. این بدان معناست که امارات به زودی هواپیماهای بدون سرنشین ریپر را در زرادخانه خود خواهد داشت. عدم اعتماد به کشورهای همسایه دلیل اصلی منع شرکت های اسرائیلی و آمریکایی از فروش هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات نظامی به کشورهای عمده عربی هست؛ با این حال بعد از توافق صلح، رژیم صهیونیستی در این زمینه تجدید نظر کرد و مقدمات ارسال تجهیزات به کشورهای عربی خصوصا امارات را فراهم کرد. ظرفیت ایجاد زیر ساخت مورد نیاز برای حفظ و عملکرد هواپیماهای بدون سرنشین، علاقه به مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی و متحدان آن در منطقه، مشارکت این رژیم در بزرگ ترین نمایشگاه دفاعی خاورمیانه در امارات در سال ۲۰۲۱ م نشان دهنده این است که همکاری های دفاعی و نظامی بین دو کشور افزایش چشم گیری پیدا کرده است (Arfa, 2021: 7).

ج: شکل گیری اقدامات جاسوسی و مخرب بر علیه ایران

امروزه کشورها برای افزایش سطح تأثیرگذاری راهبردی در عرصه تعاملات بین المللی می کوشند تا ظرفیت تأثیرگذاری اطلاعاتی خود را نسبت به محیط امنیتی کشورهای واگرای خود افزایش دهند. اتخاذ این سیاست با هدف افزایش نفوذ راهبردی و ارتقای منافع ملی صورت می گیرد (اختیاری امیری، ۱۳۹۹: ۴).

ورود رژیم صهیونیستی به خلیج فارس، ایران را در موضع امنیتی جدیدی قرار می دهد؛ تا در ادامه این کشور مجبور به تغییر چارچوبها و مکانیسم های استراتژی منطقه ای خود باشد. که هدف از آن تسلط بر این منطقه برای جلوگیری از وقوع برخوردهای بیشتر با همسایگانش در خلیج فارس و همچنین کنترل و مهار تهدیدات نظامی این رژیم است که از خاک هم پیمانان عرب خود متوجه ایران می شود (القعیی، ۱۳۹۹: ۴). همکاری سرویس های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با دول عربی و در مقابل حمایت های مالی اعراب از گروه های معاند و تروریستی ترکیب و ماهیت اصلی ائتلاف عبری-عربی در زمینه ایجاد ناامنی در ایران را شکل می دهد. علاوه

براین، حمایت از گروه‌های جدایی طلب در منطقه سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان با هدف بر هم زدن ثبات و امنیت مرزی ایران و بحران‌سازی و بی‌ثباتی داخلی در دستور کار ائتلاف عبری-عربی قرار داشته است. هدف اصلی این ائتلاف، ایجاد نگرش منفی در مردم نسبت به مسئولان، ترغیب مردم به انجام کنش‌های اعتراضی، تضعیف روحیه نیروهای حافظ نظام، تقویت روحیه گروه‌های اپوزیسیون و ... (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۱۱). تبدیل شدن امارات به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، نه تنها تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی و تخریبی این رژیم در منطقه به وجود خواهد آورد. بلکه دامنه اقدامات تخریبی آن در شعاع قابل توجه کشورهای پیرامونی امارات به ویژه ایران را دربر خواهد گرفت (دهقانیان، ۱۴۰۰: ۱۸۸). در این زمینه می‌توان به حضور هم‌زمان برخی جمعیت ایرانیان مستقر در امارات و دستگاه‌های قوی جاسوسی این رژیم در این کشور اشاره کرد که می‌تواند ناامنی بیشتری را متوجه درون و پیرامون ایران کند (اختیاری امیری، ۱۳۹۹: ۴). با رفت‌وآمد عوامل رژیم صهیونیستی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، پایگاه‌های جاسوسی این رژیم در مجاورت مرزهای ایران برپا خواهد شد. ایجاد پایگاه‌های شنود نزدیک مرزهای ایران، تمامی مراکز مخابراتی جمهوری اسلامی را تا محدوده‌ی وسیع در دسترس عوامل جاسوسی رژیم صهیونیستی قرار خواهد داد تا یک جبهه اطلاعاتی در غرب ایران ایجاد کند (احمدیان، ۱۳۹۸: ۲۳).

۳-۴- پیامدهای اقتصادی ائتلاف

الف: تلاش برای افزایش هزینه‌های اقتصادی ایران

قدرت اقتصادی در زمینه امنیت ملی کشورها از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است زیرا در دنیای امروز اقتصاد است که نقش تعیین‌کننده دارد (دستجردی، ۱۳۹۰: ۷۴). در استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی قدرت اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. شیمون پرز در گفت‌وگو با گروهی از متخصصان در سال ۱۹۸۹ م ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش نیست که قدرت این رژیم را تعیین می‌کند بلکه موقعیت‌های علمی و فن‌آوری آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، با تأکید بر این که در دنیای امروز اقتصاد مهم‌تر از استراتژی است (افریم، ۱۳۷۶: ۴۲). افزایش قدرت اقتصادی این رژیم به‌طور هم‌زمان با هدف تضعیف اقتصادی کشورهای دیگر منطقه و به‌ویژه ایران، تعقیب می‌شود. به‌خصوص با توجه به این که هرگونه تلاش برای موازنه قوای نظامی، نیازمند پشتوانه قدرتمندی از توانایی اقتصادی است (رنجبر، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

با ائتلاف بین اعراب و رژیم صهیونیستی، از کمک‌های مالی اعراب حوزه خلیج فارس به گروه‌های مخالف اسرائیلی نظیر حماس به شدت کاسته می‌شود. بر این اساس، جمهوری اسلامی مجبور خواهد شد برای این‌که محور مقاومت در برابر رژیم اسرائیل را زنده نگه دارد، هزینه‌های اقتصادی این محور را متحمل شود (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۹). بدون شک پیوستن کشورها به اتحاد عبری-عربی در شرایطی که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار دارد و از سوی دیگر اصرار ایران برای سرپا نگه داشتن محور مقاومت و تأمین هزینه‌های آن، بحران را برای اقتصاد ایران در پی خواهد داشت. پس از انعقاد پیمان ابراهیم و مجهز شدن کشورهای حاشیه خلیج فارس به تسلیحات و هواپیماهای بدون سرنشین، اولین واکنش ایران به این مسئله، تقویت و ارتقای نظامی خود خواهد بود. سیستم‌های مقابله با هواپیماهای بدون سرنشین و نیز موشکی زمین به هوا گسترش خواهد یافت (Noa Landau, 2020: 19). در شرایط بد اقتصادی کشور، تقویت بنیه نظامی برای ایران متحمل هزینه‌های سنگین می‌باشد و این یعنی فشار بر پیکر بی‌جان اقتصاد کشور. ناکامی در سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، ضعف‌های ساختاری اقتصاد، نابرابری‌های اقتصادی و شکاف‌های ناشی از آن، در بسیاری از مواقع به ناآرامی و بی‌ثباتی سیاسی منجر شده و چه بسا با مختل کردن امنیت اقتصادی مردم، امنیت رژیم مستقر را نیز تهدید کند (بابایی، ۱۴۰۰: ۱۷).

ب: کاهش تراز اقتصادی ایران

امنیت اقتصادی یکی از اقسام امنیت پایدار است که سهم مهمی در تأمین دیگر ابعاد امنیت ملی از جمله سیاسی و نظامی دارد. از دیدگاه رژیم اسرائیل به هر اندازه نظام سیاسی ایران از ضعف اقتصادی بیشتری برخوردار باشند به همان میزان توان عملیاتی و قدرت تأثیرگذاری ایران بر حوادث خاورمیانه کاهش می‌یابد (لطفیان، ۱۳۹۶: ۷). دلایل اقتصادی رژیم صهیونیستی برای ائتلاف با اعراب این موارد را شامل می‌شود: روابط اقتصادی را به‌عنوان مسیری برای تثبیت روابط امنیتی علیه ایران استفاده می‌کند؛ موجب خروج این رژیم از انزوای منطقه‌ای و تقویت روابط تجاری با اعراب منطقه می‌شود و مانع برقراری روابط مؤثر ایران به‌رغم دین مشترک با اعراب می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). حضور اقتصادی این رژیم در بخش‌های مختلف اقتصادی، علاوه بر این‌که فرضیه‌ساز ارتقاء زمینه‌های دیگر همکاری است، باعث می‌شود که سطح همکاری‌های ایران در این حوزه‌ها و بهره‌گیری‌های اقتصادی از آن در منطقه به‌شدت کاهش یابد از لحاظ اقتصادی یکی از اهداف اصلی تحریم‌ها انزوای اقتصادی ایران می‌باشد، با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و

به‌ویژه در رابطه با صدور نفت، افزایش تنش‌های منطقه‌ای هزینه‌های سنگینی برای ایران به همراه خواهد داشت و در صورت ادامه این روند، ایران مجبور به عقب‌نشینی از حوزه‌های قدرت و نفوذ خود در منطقه خواهد شد (Noa Landau, 2020: 19).

در جهان به‌هم پیوسته، حکومتی می‌تواند درآمد و رفاه مردمانش را به حد اعلاء برساند که دامنه ارتباطاتش را بیفزاید. این مهم برای ایران در سال ۲۰۱۶ م پس از اجرایی‌شدن توافق برجام فراهم گردید. نظر به حوادث سال‌های گذشته در منطقه، روشن است که کشورهای عرب منطقه و رژیم صهیونیستی به‌طور مشترک از عوامل اصلی ترامپ برای برهم زدن برجام و از سرگیری تحریم‌های بین‌بر ضد ایران هستند (Sokolsky: 2019). طبق سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جمهوری اسلامی ایران باید به قدرت اول اقتصادی در منطقه دست یابد که تحریم‌های اقتصادی مانع اصلی رسیدن به این مهم است.

ائتلاف عبری-عربی به‌طور غیرمستقیم می‌تواند امنیت اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله این هم‌افزایی‌ها می‌توان به افزایش هزینه‌های اقتصادی در منطقه، کاهش مبادلات تجاری با کشورهای همسایه به‌خصوص کشورهای همکاری خلیج فارس اشاره کرد (نعمتی، ۱۳۹۸: ۱۴۹). امارات امروزه میزبان بیش از هشت هزار شرکت و شش هزار کارآفرین ایران است و این مسئله تهران را به یکی از شرکای مهم اقتصادی امارات در منطقه تبدیل کرده است. از طرفی میزان مبادلات تجاری و بازرگانی میان ایران و امارات در سال ۲۰۱۹ م حدود ۸ میلیارد دلار بوده است. یقیناً با حضور رژیم صهیونیستی در امارات باید منتظر کاهش چشم‌گیر مبادلات تجاری و اقتصادی میان ایران و امارات بود (عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۴).

نتیجه‌گیری:

در پی وقوع حوادثی مختلف چون سقوط صدام حسین پس از حمله آمریکا زمان جورج بوش در سال ۲۰۰۳ م که باعث نفوذ ایران به شکل گسترده در عراق شد. بعد از آن نیز انقلاب‌های موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۰ م، تقویت و نفوذ گسترده ایران و متحدانش در منطقه، توافق برجام، سیاست نگاه به شرق آمریکا و کم‌رنگ شدن حضور آمریکا در خاورمیانه سبب شد تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خود را با خطر از دست‌دادن متحد قدرتمند هم‌چون ایالات متحده در برابر تهدیدی مهم چون ایران بیابند. از این رو اعراب تلاش کردند از طریق یارگیری جدید، شرایط را به نفع خود تغییر دهند. در این میان، بازیگری که از حمایت همه‌جانبه ایالات متحده

برخوردار بود و ایران را تهدیدی همواره جدی برای موجودیت و ایفای نقش منطقه‌ای خود می‌دانست، رژیم اسرائیل بود. لذا با همراهی کامل آمریکا و تمایل کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی اقدامات ائتلافی هم‌چون "پیمان ابراهیم" شکل گرفت. یافته‌های این پژوهش با به‌کارگیری نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک و مشخصاً نظریه موازنه منافع راندل شولر نشان می‌دهد که ائتلاف عبری-عربی می‌تواند با ایران هراسی، بحران زایی و انزوای ملی برای امنیت ملی ایران چالش آفرین باشند. در حوزه نظامی-امنیتی، از یک‌سو رژیم صهیونیستی از طریق این ائتلاف می‌تواند خود را به مرزهای ایران نزدیک‌تر و در نتیجه نفوذش سهل‌تر شود و از سوی دیگر با تقویت توان نظامی اعراب حوزه خلیج فارس و اقدامات جاسوسی و خراب‌کارانه، محور مقاومت را تضعیف می‌کند. در حوزه اقتصادی نیز یکی از پیامدهای احتمالی این پیمان می‌تواند افزایش هزینه‌های اقتصادی ایران و در نتیجه تضعیف توان مقابله‌ای محور مقاومت و افزایش نارضایتی عمومی را در داخل ایران باشد. لذا، به نظر می‌رسد که ایجاد چنین بحرانی برای کشوری مهم و تاثیرگذار هم‌چون ایران در منطقه از یک جهت می‌تواند به شدت بخشیدن تعارضات در منطقه و لذا کاهش ثروت در منطقه منجر شود و از جهت دیگر عامل تشدید تعارضات میان کشورهای مسلمان منطقه شده و روند توسعه کشورهای خاورمیانه را به چالش بکشد. در چنین شرایطی، آمریکا و رژیم صهیونیستی بیشترین سود را از بحران ایجاد شده میان اعراب و جمهوری اسلامی در خلیج فارس می‌برند؛ آمریکا به‌وسیله فروش بیشتر تسلیحات نظامی اقتصادش را تقویت می‌کند و رژیم صهیونیستی از طریق استراتژی اتحاد و ائتلاف هم خود را از انزوای دیپلماتیک خارج می‌کند و این‌که جنگ را از مرزهای خود به مرزهای خلیج فارس می‌کشاند و در چنین شرایطی دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس و ایران از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی با چالش جدی مواجه می‌گردند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- افریم، انبار (۱۳۸۸). امنیت ملی اسرائیل، ترجمه حمید نیکو، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- آدمی، علی (۱۳۹۸)، «اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۷، ۱۹۹-۲۲۷

- آقاعلی‌خانی، مهدی (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۲۴
- احمدیان، قدرت و صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۸)، «تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ایران و نقش تأثیرگذار دو کشور آمریکا و اسرائیل در آن»، **نشریه سیاست روابط بین‌الملل**، سال سوم، شماره ۶، ۳۳۱-۳۰۶
- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۹)، «ائتلاف دو فاکتو عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال نهم، شماره ۱، ۱۲۵-۱۰۱
- امیری، اقبال (۱۳۹۴)، «تأثیر حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی**، سال پنجم، شماره ۱۳، ۶۲-۳
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جعفری نیا، عباس (۱۳۹۸). «تحلیل شاخص‌های قدرت نظامی واحدهای سیاسی»، **فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، شماره ۳، سال یازدهم
- جمالزاده، ناصر و آقایی، محمد (۱۳۹۴)، «تأثیر ایران هراسی و رقابت تسلیحاتی کشورهای همکاری خلیج فارس»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، شماره ۱، سال ششم، ۴۷-۱۹
- حمزه، حسن (۱۳۹۹)، «اهداف عادی سازی روابط اسرائیل و بحرین»، **مجله دیپلماسی ایرانی**، کد ۱۹۹۵۶۱۰
- دهقانیان، مجید (۱۴۰۰)، «تبیین پیامدهای رابطه اسرائیل و امارات بر امنیت منطقه ای ایران»، **دو فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس**، شماره ۴، سال سوم، ۲۰۰-۱۶۷
- دستجردی، حسن و متقی، افشین (۱۳۹۰)، «حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه انجمن جغرافیای ایران**، شماره ۲۸، سال نهم ۸۰-۵۹
- رأفت، احمد (۲۰۲۰)، «توافق تاریخی بین دولت‌های اسرائیل و امارات متحده عربی»، **مجله کیهان**
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۸)، «موازنه تهدید و اتحاد عرب و اسرائیل در برابر محور مقاومت»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۹۷، سال بیست و ششم، ۱۳۴-۱۱۳
- زکریا، فرید (۱۳۹۴)، **روزنامه کیهان**، اردیبهشت، شماره ۲۱۰۵۶
- شهریاری، محمد علی (۱۳۹۵)، «تحلیل روابط ج.ا. ایران و عربستان سعودی در عراق»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۸۵، ۸۰-۵۵
- صفوی، یحیی (۱۳۹۰)، «مناسبات راهبردی امارات متحده با ج.ا. ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱، سال چهاردهم، ۱۷۳-۱۴۹
- ضرغامی، سمیرا و ذاکریان، مهدی (۱۳۹۹)، «تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه ای جدید اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات بین‌الملل**، شماره ۴، دوره شانزدهم، ۸۶-۶۷

- عربگری، محمد(۱۴۰۰)، «بررسی عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل و پیامدهای آن بر منطقه»، **دیپلماسی ایرانی**، کد ۲۰۰۱۷۹۹
- عالیشاهی، عبدالرضا(۱۳۹۹)، «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، **نشریه علمی آفاق امنیت**، شماره ۴۹
- عمادی، سید رضی(۱۳۹۷)، «ابعاد و اهداف مختلف مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی»، **پژوهش های کاربردی برون مرزی صدا و سیما**
- کریمی پور، داود(۱۴۰۰)، «راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در منطقه خلیج فارس»، **فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل**، شماره ۲، دوره چهارم، ۵۷۹-۵۵۱
- لطفیان، سعیده(۱۳۹۶)، «دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱، دوره چهل و هفت، ۲۰۰-۱۷۹
- مشیرزاده، حمیرا(۱۳۹۸)، «راندل شولر و چالش های واقع گرایی»، **فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی**، شماره ۳، دوره دهم، ۱۵۵-۱۳۶
- مجتهد زاده، پیروز(۱۳۷۸)، «جهان در سالی که گذشت»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۴۰-۱۳۹، دوره چهاردهم، ۴-۳۱
- مهدی زاده، علی(۱۳۹۶)، «ریشه ایران هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۲، دوره سی و یکم، ۱۸۲-۱۵۱
- محمدی، فاطمه(۱۳۹۶)، «تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ج.ا.ایران»، **فصلنامه مطالعات علوم سیاسی**، دوره سوم، شماره ۱
- نعمتی، امیرحسین(۱۳۹۸)، «بررسی مناسبات عربستان سعودی با اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **رساله دکتری**، محمود سریع القلم، دانشگاه شهید بهشتی
- نادری نسب، پرویز(۱۳۸۹)، «چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱، دوره ۴۰
- نیکو، حمید و سویلی، مرتضی(۱۳۹۶)، «جایگاه برنامه هسته ای ایران در دکترین امنیتی اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، شماره ۳۷، سال دهم، ۱۶۲-۱۲۹
- هشتجین، زاهد غفاری و جندقی، حسین(۱۴۰۱)، «پیامدهای عادی سازی اسرائیل و بحرین بر ج.ا.ایران»، **نشریه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۱۰۷، ۱۰۴-۸۷
- هال، آنتونی(۱۳۹۹)، «بیانیه پیمان ابراهیم و هنر فریب کاری از طریق تبلیغات و روابط عمومی»، **فصلنامه گفتمان راهبردی**، شماره ۴، دوره دوم، ۱۰

انگلیسی:

- Ali Arfa (2021). "The Abraham Accords effect: more armed drones in the Midhhe East"

- Edmondson, C. (2020). “ Senate Rejects Attempted Blockade of Weapons Sale to U.A.E” **The New York Times**”. December 9, at: <https://www.nytime.com>
- Farouk, Y. (2019). “How Saudi Arabia Could Make a Bold Strategic Move on Iran” **Carnegie endowment for international Peace**. Available at: <https://carnegieendowment.org/2019/06/28/how-saudi-arabia-could-make-bold-strategic-move-on-iran-pub-79399>
- Gilpin, Robert (1986), “The Richness of the Tradition of political Realism,, **International Organization**, Vol. 38, No. 2
- Joshua Teitelbaum (2021).” ARAB- ISRAEL conflict – fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchis The Middle East journal”, vol. 74
- Noa Landau (2020). et al.” Netanyahu says Israel to sale of f-35 s to UAE, Gantz: Talks were Kept from Me. Hanretz”, 23 oct
- Rose, Gideon. (1998). “Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy”. World politics . Volume 57 .
- Schweller, Randall L. (2004).” Unanswered Threats: A Neoclassical Realist Theory of Underbalancing”, International Security, 29 (2), 159-201.
- Taliaferro, Jeffrey W. (2006). “State building for future wars: Neoclassical realism and the resource-extractive state”. Security Studies. 15 (3 (
- Tova Norlen (2021).” The Abraham Accords: Paradigm shift or Realpolitik ”
- Thompson, J. (2018). “Trump middle East Policy”. CSS Analyses in SecurityPolicy. No. Available at; <http://www.css.ethz.ch/content/dam>.

